

گفتگو با محققان ایرانی مقیم خارج از کشور

اساتید و محققان ایرانی خارج از کشور، اگرچه به اندازه دست اندرکاران داخلی با مسائل و مقتضیات واقعی طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی کشور آشنا نیستند، اما این فرصت را داشته‌اند که اطلاعات دست‌اولی از تحولات سریع جهانی در دیدگاهها و روشها به دست آورده یا حتی در پژوهشهای مربوط به آنها مشارکت داشته باشند. برای آگاهی از نگرشها و روشهای طرح‌شده در سایر کشورها گفتگوهایی با سه شرکت‌کننده ایرانی مقیم خارج به عمل آوردیم.

چند کنفرانس بین‌المللی شرکت می‌کنم و گذشته از مطالعه درباره خاورمیانه و جهان سوم به طور کلی، بارها به کره جنوبی رفته و در مورد تجربه آنها مطالعه کرده‌ام.



• دکتر هوشنگ امیراحمدی، استاد برنامه‌ریزی و مدیر مطالعات خاورمیانه‌ای در دانشگاه ایالتی راتگرز، نیوجرسی

خواهشمندیم کمی درباره پیشینه علمی و تحقیقاتی خود برای ما بگویید. در رشته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تبریز فارغ التحصیل شدم و در سال ۱۹۷۶ برای ادامه تحصیلات به آمریکا رفتم و در رشته مدیریت فوق لیسانس گرفتم. سپس رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای را انتخاب کردم و در سال ۱۹۸۲ از دانشگاه کورنل با درجه دکتری فارغ التحصیل شدم. در حال حاضر استاد کرسی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای و مدیر بخش مطالعات خاورمیانه‌ای دانشگاه راتگرز در نیوجرسی هستم. تاکنون ۶ کتاب تألیفی منتشر کرده‌ام: «ایران بعد از انقلاب»، «انقلاب و گذار اقتصادی، تجربه ایران»، «ایالات متحده آمریکا و خاورمیانه»، «ایران و دنیای عرب»، «بازسازی دیپلماسی در خلیج فارس»، و «توسعه شهری در جهان اسلام». گذشته از این، بیش از ۴۰ مقاله علمی، ۳۰ فصل کتاب و ۶۰ تا ۷۰ مقاله بررسی و نقد کتاب به رشته تحریر در آورده‌ام.

نظام آموزش برنامه‌ریزی شهری در دانشگاههای آمریکا چگونه است؟ در آمریکا دو نظام آموزشی برنامه‌ریزی شهری وجود دارد: دپارتمانهای صاحب نام برنامه‌ریزی در دانشگاههای کورنل، راتگرز، چپل هیل، ام آی تی، یوسی ال‌ا و برکلی از دید اجتماعی-اقتصادی به برنامه‌ریزی شهری می‌پردازند و تعداد واحدهای طراحی آنها محدود است، در حالی که دانشگاههای سنتی‌تر برنامه‌ریزی مانند هاروارد و پنسیلوانیا بر برنامه‌ریزی کالبدی تکیه بیشتری دارند و این رشته در دانشکده معماری و شهرسازی تدریس می‌شود.

در سالهای اخیر در زمینه برنامه‌ریزی شهری چه مفاهیم تازه‌ای مطرح شده است؟

قبل از پاسخ به این پرسش باید به بحث درباره مفهوم فضا بپردازیم. در گذشته تعریف از فضا با دیدگاه نیوتنی صورت می‌گرفت و آن را پدیده‌ای قائم به ذات و مستقل می‌دانستند که چون ظرفی عمل کرده و از مظهر آن جداست. می‌توان ظرف را تا نیمه پر کرد، سرریز کرد، خالی کرد یا محتویات گوناگونی را در آن جای داد. این بینش در برنامه‌ریزی به توزیع و آرایش اجسام و حتی انسانها در فضا منتهی شد. در تفکر برنامه‌ریزی در کشور ما نیز این تصور از فضا غالب است و در تعریف سازمان برنامه و بودجه از آمایش توزیع تجهیزات، امکانات و جمعیت مطرح شده است. مفهومی نیز که به طرح‌ریزی کالبدی می‌پردازد دست آخر آرایش توزیعی فضا را مد نظر دارد و با ارائه چند خط مشی و نقشه وظایف خود را به پایان

با سازمان ملل متحد و بانک جهانی همکاریهایی داشته‌ام و به کشورهای کنیا، مکزیک و ترکیه نظر مشاوره‌ای داده‌ام. سالانه در

می‌رساند اما برای کار خود تشریح لازم را ندارد و به چراها پاسخی نمی‌گوید.

هدف من نقد یا طرفداری از این یا آن تفکر نیست بلکه صرفاً قصد دارم دیدگاه‌های گوناگون را توضیح دهم. اما تفکری که در سالهای اخیر مطرح شده فضا را نسبی می‌داند و با الهام از فرضیه نسبیت اینشتین، معتقد است فضا به طور مطلق و مستقل وجود ندارد، بلکه ماده گسترده‌ای است که شکل آن تغییر می‌کند. جغرافیدانان و برنامه‌ریزانی که با درک سنتی از فضا مخالف بودند با تکیه بر این نظریه مفهوم جدیدی را تدوین کردند: هر پدیده طبیعی دارای سه بُعد مادی، تاریخی و فضایی است. اما جامعه بشری بُعد چهارمی به پدیده‌ها اضافه می‌کند که بُعد معنوی آنهاست. این بُعد تنها به جنبه مذهبی محدود نمی‌شود و فلسفه، منطق و فرهنگ جامعه را نیز دربر می‌گیرد. هیچ یک از این ابعاد جامعه بشری را نمی‌توان مستقل فرض کرد یا به طور انتزاعی مورد بررسی قرار داد. در برنامه‌ریزی شهری نیز کلیه جنبه‌های مادی، تاریخی، فضایی و معنوی را باید در نظر گرفت و به این صورت است که می‌توانیم به برنامه‌ریزی جامع دست یابیم؛ تأثیرات متقابل و روابط علت و معلولی پدیده‌ها را درک کنیم و پایه‌ای نظری برای برنامه‌های خود به وجود آوریم.

این تفکر چندبُعدی از فضا در برنامه‌ریزیهای ملی و منطقه‌ای چگونه بازتاب پیدا می‌کند؟

مشکل اجرای این طرز فکر در برنامه‌ریزیهای ملی و منطقه‌ای پیچیدگی بسیار پدیده‌هاست. شناخت پدیده به طور همه جانبه در مقیاس کوچک نیز مشکل است و هنگامی که در مقیاس بزرگ مورد بررسی قرار گیرد، مشکلات بسیار بفرنجتر خواهند شد. مسئله دیگر امکان در هم ریختن مرز میان انواع و اقسام برنامه‌ریزیهاست. اجازه بدهید برای نمونه به کشورهای اروپای شرقی نگاه کنیم. در این کشورها رشته‌ای به نام برنامه‌ریزی در دانشگاهها تدریس نمی‌شد بلکه گروهی اقتصاددان، جامعه‌شناس، فیلسوف، تاریخدان، آمارگر و غیره در مجموع امر برنامه‌ریزی را به پیش می‌بردند. در دنیای کنونی که پیشرفت علوم آن را به سوی تخصصهای گوناگون هدایت کرده است، نمی‌توان کارشناسی تربیت کرد که بر همه این تخصصهای علمی احاطه داشته باشد. بنابراین جمع برنامه‌ریزان بزرگ و بزرگتر می‌شود و در پیچ و خم کار دچار مشکلات سازماندهی و اجرایی نیز می‌گردند و صورتی تمرکزگرا پیدا می‌کنند. پس نتیجه می‌گیریم که به علت عدم امکان تأمین جامعیت در برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای باید در سطح کلان تنها رهنمودهایی استراتژیک و مقرراتی عمومی را طرح کرد که جهتگیری کلی را مشخص کند و در سطح خرد به برنامه‌ریزی جامع پرداخت، چون امکان بررسی همه جانبه در سطح شهرها و روستاها

وجود دارد و به کلی گویی منتهی نخواهد شد. پس این تفکر هم خرد است و هم جامع، ضمن آنکه به برنامه‌ریزی کلان در وجوه عمومی آن نیز بی‌توجه نیست.

آیا این روش برنامه‌ریزی از مقیاس خرد آغاز می‌کند و به مقیاس کلان می‌رسد؟

این برنامه‌ریزی همان طور که گفتم هر دو جنبه را داراست. در سطح کلان به برنامه‌ریزی خرد رهنمودهایی می‌دهد و به نوبه خود از تجربه‌های آن بهره می‌برد. این برنامه‌ریزی به فعالیتها توجه دارد و به عدم تمرکز منتهی می‌شود. البته نه عدم تمرکز به معنای هرج و مرج، بلکه عدم تمرکز مهار شده. در اینجا برنامه‌ریز با مردم کار می‌کند نه برای مردم، با فعالیتها همراه می‌شود نه برای فعالیتها. نکته دیگری که باید یاد آور شوم ماندگاری توسعه است. در شکل متمرکز وقتی فعالیت عمرانی در روستایی به اجرا در می‌آید، در هر کجا و به هر علت متوقف شود دنباله برنامه رها می‌شود و عمران بی‌ثمر می‌ماند، در حالی که با روشهای توسعه مانند گار با مردم به کار پرداخته و به آنها آموزش داده می‌شود. وقتی برای مردم کار می‌کنیم مسئولیت با ماست و وقتی با مردم به کار پردازیم آنها نیز مسئول خواهند بود و طرحهای توسعه مانند گار خواهند شد.

آیا در کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی این دیدگاه وجود داشت و به طور کلی ارزیابی شما از کنفرانس چه بود؟

در ایران بحث نظری در کلیه سطوح ضعیف است. متأسفانه تعدادی از مقالات کنفرانس با اتکا به کتابهای درسی ۲۰ سال پیش تهیه شده بودند. تفکر جدید در کنفرانس مطرح نشد. تلقی حاکم از برنامه‌ریزی، سطح کلان^۲ و متمرکز برنامه‌ریزی بود. در همین جا پیشنهاد می‌کنم برنامه‌ریزی خرد موضوع کار دومین کنفرانس بین‌المللی طرح‌ریزی کالبدی قرار گیرد تا تعادلی بین دو تفکر به وجود آید و در کنفرانس سوم به تلفیق این دیدگاهها بپردازیم. بحثهای مطرح شده از سوی شرکت کنندگان ایرانی عمیق بود ولی متأسفانه نبود. در مجموع باید بگویم برگزاری کنفرانس در ایران گام مثبتی بود. من از مباحث بهره‌بردم و اطلاعات وسیعی کسب کردم که در تدوین نظریاتم مفید خواهند بود.



مشکلات برنامه ریزی در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

معتقدم کشور ایران مکانیزمهای لازم برای برنامه ریزی جامع را ندارد و اجرای برنامه ها نیز با مشکلات عدیده ای روبه رو می شوند زیرا ظرفیت کار برای بهینه کردن امکانات وجود ندارد. اقتصاد کشور نهایتاً سرمایه داری است اما برنامه های اقتصادی در سطح بخش خصوصی کار آیی ندارند و این امر به خصلت غالب غیر تولیدی بودن بخش خصوصی مربوط می شود. تولید با برنامه ریزی سازگار است، حتی در مقیاس خصوصی و خرد آن، لیکن در خدمات، تجارت و دلالتی نوسانات روز راهنما هستند. بخش دولتی در ایران در درون خود هنوز به انضباط و انسجام لازم نرسیده تا آن را به بخش خصوصی سرایت دهد. ما هنوز تعریفی از منافع ملی نداریم؛ آنچه می بینیم منافع ایلی، قومی، طبقاتی یا شخصی هستند. بنابراین فرهنگ عمومی پیشرفته ای وجود ندارد. از سوی دیگر ما چیزی به نام مکانیزم بازار به مفهوم واقعی آن نداریم و تخصیص منابع نمی تواند به یاری آن به انجام رسد. ثروتمندان ما بخشی از دارایی خود را به طلا و بخشی دیگر را به ارز تبدیل می کنند و قسمتی را صرف خرید بنز ۳۰ میلیونی می کنند و سرمایه آنها جهتگیری اقتصادی بهینه ندارد. برخی کارخانه داران قدیمی به کشور باز می گردند و کارخانه خود را مطالبه می کنند اما بعد آن را اوراق می کنند و زمینش را قطعه قطعه می فروشند. به این ترتیب مکانیزم بازار نمی تواند جانشین برنامه ریزی شود. دولت باید همپای به وجود آوردن مکانیزم بازار نقش خود را در اقتصاد کاهش دهد. ما به برنامه ریزی نیاز داریم اما هم در سطح کلان و هم در سطح خرد.

آخرین مطلبی که باید یادآور شوم تجهیز به آخرین دستاوردهای تکنولوژیک در سطح جهان است. در حال حاضر رقابت اقتصادی چنان بالا گرفته که ممکن است امروز بر اساس سیاست تشویق صادرات کالایی را به جهان عرضه کنیم که چند سال بعد ارزش تجاری خود را از دست بدهد. کره جنوبی در دو سال گذشته با کسری موازنه تجاری روبه رو بوده است زیرا تکنولوژی پیشرفته ژاپن کالاهایی با کیفیت برتر و قیمت ارزانتر روانه بازارها کرده است. بنابراین آنها روی تحقیق علمی در مورد چند کالا سرمایه گذاری کرده اند و در جهت تحقق آن پارکهای علمی را یک به یک تأسیس می کنند در حالی که ما تازه به تجربه سالهای دهه ۶۰ در مورد ایجاد مناطق آزاد رسیده ایم.

● دکتر سیروس مشکوة و دکتر صارم کلالی از دانشکده معماری دانشگاه ژنو - سوئیس

در ژنو به چه فعالیتهایی سرگرم هستید؟

س.م.: در ژنو تحصیل کرده ام و در حال حاضر در دانشکده معماری

به تدریس محیط مصنوع در جهان سوم اشتغال دارم. علاوه بر آن مدیریک مرکز تحقیقات وابسته به دانشگاه هستم که در زمینه بهبود شرایط محیطهای مصنوع در جهان سوم فعالیت دارد.

ص.ک.: ابتدا در ایتالیا تحصیل کرده ام، سپس در امریکا ادامه تحصیل دادم. دکترای معماری و شهرسازی دارم. در ژنو در یک دفتر خصوصی به کار مشغولم و با دکتر مشکوة در مرکز تحقیقاتی همکاری علمی می کنم. تا کنون به اتفاق یکدیگر در کنفرانسهای زیادی شرکت کرده ایم و به طور مشترک مقالاتی ارائه کرده ایم و تصمیم گرفته ام تا چند ماه دیگر به ایران بازگردم.

مطلع شدیم که شما در مورد نواحی حاشیه شهری طرحهایی دارید. لطفاً در مورد آن توضیحات بیشتری دهید:

س.م.: قریب ۷۰ تا ۸۰ درصد ساختمانها در شهرهای بزرگ جهان سوم به صورت خودرو و بی رویه به وجود آمده اند اما به دلیل مشکلات اقتصادی این کشورها امکان تخریب و بازسازی تمامی آنها وجود ندارد. مؤسسه ما راههایی را توصیه می کند که این بناها رفته رفته تکامل یابند و در بافت شهر ادغام شوند و همچنین مشروعیت قانونی پیدا کنند. با اجرای این طرح ظرف ۱۰ یا ۱۵ سال مناطق حاشیه ای وضعیتی ثابت پیدا می کنند. گام اول در اجرای این روش علمی ایجاد ارتباط با اهالی این مناطق و آشنایی به توان اقتصادی و ارزشهای فرهنگی آنها از یکسو و ارزیابی حرفه ای از محل سکونت آنها، از سوی دیگر است. برای پیشبرد این هدفها پرسشنامه ای تهیه کرده ایم و برای وضعیت خانوار و ساختمان کدهایی معین شده که بر حسب مورد تکمیل می شوند. بر آورد کلی مشخص می کند که بنا ارزش بهسازی دارد یا باید تخریب شود و مجدداً بازسازی گردد. بهسازی بنا می تواند بر اساس استانداردهایی که به مالک تعلیم داده می شود، مرحله به مرحله اجرا شود.

تجربه فردی شما در اجرای این روش چه بوده است؟

س.م.: یکی از تجارب ما در شهر دوالآی کامرون و در محله ای حاشیه نشین با ۳۰۰ هزار نفر جمعیت به اجرا در آمد. در آنجا آرشیکتها، کارگران ساختمانی، مسئولان شهرداری و مردم را به منظور بهسازی و نوسازی بناها آموزش دادیم. اساساً مدل های کشورهای پیشرفته در جوامع در حال توسعه قابل استفاده نیست اما با کاربرد ابتکاراتی منطبق با تاریخ شهرنشینی در این کشورها،

موقعیت فرهنگی، مصالح بومی و سطح مهارت‌ها می‌تواند به شاخص‌هایی ویژه آن منطقه دست یافت.

در سوئیس نیز از همین روش برای بازسازی چند محله قدیمی بهره برده‌ایم و در حال حاضر سرگرم گفتگو برای آموزش دادن به کارکنان شهرداری سانپولو هستیم.

ص.ک.: در مورد کاربرد این روش در ایران باید به گفته‌های دکتر مشکوة بیفزایم که با توجه به رشد جمعیت و ویرانی‌های ناشی از جنگ، در آینده دولت به تنهایی قادر نخواهد بود به تقاضای وسیع مسکن پاسخ گوید. بناهای ۲۰،۳۰ سال اخیر در ایران الگوبرداری صرف از مدل‌های اروپایی بوده‌اند و به خاطر فقدان قابلیت انطباق با فرهنگ و سنت ما باشکست رو به رو شده‌اند. روش پیشنهادی ما علاوه بر انطباق با محیط بومی، بین آرشیکت و مردم نوعی گفتگو به وجود می‌آورد که پایه آموزش عملی آرشیکت‌هاست و از طرف دیگر مردم را به طور مستقیم در بهسازی محل زندگی خود شریک می‌کند و بار عمران شهری تنها به دوش دولت نمی‌افتد.

بود. در جویها فاضلاب جریان داشت و کودکان در کنارش مشغول بازی بودند. ساختمانها استحکام کافی نداشتند. حمل و نقل عمومی کم بود. تراکم جمعیت این مشکلات را مضاعف می‌کرد. اما از نکات مثبت این محلات، انعکاس واقعیت زندگی مردم در آیینی بی‌تکلف زندگی جمعی آنهاست. گویی مردم به خانه و کاشانه خود تعلق بیشتری دارند. فضاها آشنا تر است. پیوندهای قومی و خویشاوندی بیشتر به چشم می‌خورد. مطالعه این محله‌ها برای آرشیکتها بسیار آموزنده و مفید است. آنها را با ویژگی و ترجیحات زندگی مردم عادی آشنا می‌سازد.

از شرکت در کنفرانس چه بهره‌ای بردید؟

ص.ک.: کنفرانس بسیار آموزنده بود. سطح علمی مقالات به ویژه مقالات شرکت کنندگان ایرانی بالا بود. اما جا داشت در میان شرکت کنندگان خارجی از کارشناسان شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در کشورهای جهان سوم نیز بهره می‌بردیم. سالهاست در کشورهایی چون هند و برزیل در مورد شیوه‌های ساده و ارزان ساختمان‌سازی و شهرسازی تحقیق می‌شود. چه بسا تجارب آنها به ما نزدیکتر باشد.

ص.م.: تعاریف و مفاهیم گوناگونی که در کنفرانس عنوان شد نقطه حرکت مناسبی را برای بحثهای گسترده‌تر فراهم می‌آورد. البته بحث در مورد الگوی اقتصادی کمتر صورت گرفت، در حالی که طرح‌ریزی کالبدی بدون توجه به جهت‌گیریهای اقتصادی کامل نیست. همچنین میان برنامه‌ریزی و اجرای طرحها در ایران هنوز شکاف بزرگی وجود دارد. برای رفع این مشکل باید روشهایی را پیشنهاد کرد که همپای طرح‌ریزی، کار اجرایی نیز پیشرفت کند. پیشبرد عملیات آزمایشی، در مقیاسهای مختلف به این امر کمک می‌کند. به هر حال امیدواریم اولین گام مهم در برگزاری کنفرانس به گامهای بلندتر و پرثمرتری منجر شود.

شاخصهای هزینه ساختمان در کشورهای در حال توسعه روز به روز تغییر می‌کنند و به همین خاطر ممکن است ارزیابی شما از هزینه‌ها بلافاصله از اعتبار بیفتد، برای این مشکل چه چاره‌ای اندیشیده‌اید؟

ص.م.: بله ما در کامرون شاهد چنین تغییرات سریعی بودیم. علاوه بر سرعت بالا رفتن قیمت‌ها، در یک زمان واحد با چند قیمت رسمی، غیر رسمی و بازار سیاه روبرو بودیم. حتی تفاوت‌های فصلی در نوسان قیمت مصالح و مزد نیروی کار مؤثر بود. اما همان طور که گفتیم، جداول پرسشنامه بر اساس مشخصات عمومی بناها در یک ناحیه و به نحوی تهیه می‌شوند که در کمتر از نیم ساعت ارزیابی ارزش یک ساختمان و هزینه بهسازی آن امکان‌پذیر باشد. بنا بر این در صورت تغییر عوامل می‌توان به ارزیابی جدیدی دست یافت و بر پایه آن تصمیم‌گیری و عمل کرد. این شاخصها حتی در مورد دو محله از یک شهر نیز متفاوت هستند. آنچه اهمیت دارد متدولوژی تهیه پرسشنامه است و معیارهایی که به منظور اداره و نگهداری بنا اعمال می‌شوند.

آیا به دیدن محله‌های حاشیه‌ای تهران رفته‌اید؟

ص.م.: در سال ۱۹۶۷ مدتی به ایران آمدم و در مورد گودهای جنوب شهر تهران مطالعه کردم. دنیای عجیبی بود. وارد شدن به آنها مشکل بود، چون مقامات دولتی وجود این محله‌ها را انکار می‌کردند. در حالی که این پدیده منحصر به کشور ما نیست و اکثر کشورهای جهان سوم با مشکل حاشیه‌نشینی روبرو هستند. به جای انکار آنها باید چاره‌ای برای بهبودی این محلات اندیشید. در سفر اخیر از اسلام‌شهر دیدن کردیم. مشکلات فنی و بهداشتی بی‌شمار

1. spiritual

۲. این کنفرانس اصولاً برای طرح مسائل طرح‌ریزی سرزمین بر گزار شده طرح‌ریزی به طور کلی.

3. Douala

4. pilot operations